

بررسی مقایسه‌ای گزارش‌های گونه‌های معجزات منسوب به امامان (ع) در دو کتاب الاختصاص و الارشاد شیخ مفید و مسئله انتساب الاختصاص به مفید

زهراسجادی^۱
محمدرضا بارانی^۲

چکیده: کتاب الاختصاص منسوب به شیخ مفید، دربردارنده احادیث خاص و به‌ویژه روایات معجزات امامان (ع) است و گونه‌شناسی و فراوانی سنجی این گونه روایات کتاب با کتاب الارشاد مفید می‌تواند در مسئله انتساب کتاب الاختصاص به شیخ مفید راهگشا باشد. بررسی با رویکرد کمی-توصیفی گونه‌شناسی، یکی از راه‌های اعتبارسنجی حدیث است تا گزارش‌های پراکنده در کتاب واکاوی و دسته‌بندی شوند. در این مقاله، گونه‌شناسی و مقایسه روایت‌های معجزات در دو کتاب الاختصاص و الارشاد بررسی شده است تا بر پایه میزان همخوانی کاربری گونه‌ها، مسئله انتساب الاختصاص به مفید روشن شود. نتایج پژوهش نشان‌دهنده تفاوت آشکار و معنی‌دار گونه‌های معجزات در دو کتاب الاختصاص و الارشاد و ناسازگاری باورهای کلامی او در کتاب‌های دیگرش با این کتاب است. بنابراین گمانه انتساب الاختصاص به مفید پذیرفتنی نیست.

واژه‌های کلیدی: سیره امامان، معجزه، گونه‌شناسی، اعتبارسنجی، الاختصاص، الارشاد، شیخ مفید

A Comparative Study of the Types of Miracles Attributed to the Imams (PBUT) in the Two Books "Al-Ikhtisas" and "Al-Irshad" by Sheikh Mufid, and the Issue of Attributing "Al-Ikhtisas" to Mufid

Zahra Sajjadi¹

Mohammad Reza Barani²

Abstract: The book "Al-Ikhtisas," attributed to Sheikh Mufid, contains specific hadiths, particularly those concerning the miracles of the Imams (peace be upon them). By analyzing the types and frequency of these narrations in comparison with Sheikh Mufid's book "Al-Irshad," This research can gain valuable insights into the authenticity of attributing "Al-Ikhtisas" to him. A quantitative-descriptive typological approach is one method for verifying the authenticity of hadiths. This approach allows for the examination and classification of scattered reports within the book. In this study, we will examine the typology and comparison of miracle narrations in both "Al-Ikhtisas" and "Al-Irshad" to determine whether "Al-Ikhtisas" can indeed be attributed to Mufid, based on the consistency in the application of typologies. The research results indicate a significant and clear difference in the types of miracles described in "Al-Ikhtisas" compared to "Al-Irshad," as well as inconsistencies between the theological beliefs expressed in his other works and those found in "Al-Ikhtisas." Therefore, it is unlikely that "Al-Ikhtisas" can be accurately attributed to Mufid.

Keywords: Imams' biography, miracles, typology, authentication, Al-Ikhtisas, Al-Irshad, Sheikh Mufid.

 10.22034.17.66.2

1. Ph.D. Student of Islamic History, Department of History, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran fruzansajjadi@gmail.com
2. Associate Professor, Faculty Member, Department of History, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran m.barani@alzahra.ac.ir  ORCID: 0000-0002-5680-3924

 Copyright: © 2020 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

مقدمه

سده‌های چهارم تا ششم قمری دوره تألیف و پیدایی مهم‌ترین جوامع روایی شیعه بوده است. نفوذ احادیث غالبانه خطری بود که اعتبار این آثار روایی را خدشه‌دار می‌کرد و بر لزوم پرداختن به پالایش احادیث می‌افزود. شناخت سیره و زیست علمی و اعتقادی ائمه، به اعتبارسنجی گزارش‌های این آثار وابسته است. از مهم‌ترین عناصر تأثیرگذار در اعتبار یک منبع، بررسی شخصیت و جایگاه نویسنده آن است و برخورداری نویسنده از پایگاه برجسته علمی نشانگر تأثیرگذاری اوست.

برخی انگاره‌ها پایه اندیشه‌های شیعه دانسته شده و برای نمونه، انگاره رجعت در تاریخ اندیشه شیعه، در یک وضعیت دوگانه هویتی یا غالبانه بوده (آقاگل‌زاده و دیگران، ۱۴۰۳: ۱۲) و همین نگرش، درباره معجزه‌های منسوب به امامان وجود داشته و رویکرد دوگانه هویتی یا غالبانه‌پنداری آن، در بین عالمان شیعه برجسته است. بدین روی، می‌تواند بر پایه باور خردگرایانه مفید، سنجه‌ای برای گونه‌شناسی روایات معجزات در این دو کتاب و انتساب آنها به مفید باشد.

کتاب الاختصاص از آثار مهم روایی شیعه و دربردارنده احادیث بسیاری از امامان شیعه است. نزدیکی زمان نوشتن به دوره زندگی امامان و آوردن روایات نایب، بر ارزش این کتاب افزوده است. الاختصاص برای اولین بار در زمان علامه مجلسی و شیخ حر عاملی شناسانده شد و درباره نویسنده آن گمانه‌زنی‌هایی مطرح گردید. برخی این کتاب را از شیخ مفید (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۷/۱؛ حر عاملی، ۱۴۱۸: ۳۷/۱؛ همو، ۱۴۰۱: ۳۰/۱۵۸؛ بحرانی، ۱۴۱۳: ۲۰/۵) و برخی آن را همان کتاب *العیون و المحاسن* شیخ مفید دانسته (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۳۵۹/۱؛ ۳۸۶/۱۵؛ امین، ۱۴۰۳: ۵۱۲/۲) و عده‌ای دیگر مانند سید ابوالقاسم خویی (خویی، ۱۳۶۹: ۱۹۷/۸، ۳۰۷، ۳۴۵، ۳۵۵، ۹/۹، ۱۰۱، ۳۷۷/۱۱، ۱۲۱/۱۴) در انتساب کتاب به شیخ مفید تردید کرده و شماری (کتوری؛ [بی‌تا]: ۳۰؛ *ثقة الاسلام تبریزی*، ۱۳۶۵: ۱۵/۲) نیز به این دلیل که نام جعفر بن حسین مؤمن^۱ در اوایل بعضی روایت‌های کتاب آمده، کتاب را از وی دانسته‌اند.

۱. جعفر بن حسین مؤمن قمی (متوفای ۳۴۰) از راویان حدیث شیعه، در سده چهارم قمری - دوره غیبت صغری - در دو شهر قم و کوفه زندگی می‌کرد و استاد شیخ صدوق بوده و نجاشی او را محدثی صاحب وجهت دانسته و سه کتاب *المزار*، *فضل الکوفه* و *النوادر* از نوشته‌های اوست.

روش‌های متعددی مانند بررسی‌های سندی و رجالی و کاربرد اصول فقه‌الحديثی، برای بررسی انتساب یک اثر روایی به یک نویسنده وجود دارد که برخی از این بررسی‌ها پیش از این درباره کتاب الاختصاص انجام شده است. یکی دیگر از روش‌های شناخت نویسنده یک اثر، توجه به محتوای کتاب و بررسی همخوانی و میزان مطابقت آن با اعتقادات نویسنده و روش نگارش او با دیگر آثارش است. کتاب الاختصاص دربردارنده روایات بسیاری از ائمه شیعه درباره ویژگی‌های اصحاب پیامبر (ص) و امام علی (ع) و معرفی جایگاه ائمه (ع) و دلایل و فضایل آنان و ویژگی‌های علما و مؤمنان و برخی احکام و شرایع است و درواقع، مسائل مطرح‌شده در این کتاب نقلی روایی، بیشتر اعتقادی و اخلاقی و مانند کشکولی از روایات است.

در میان آثار شیخ مفید، نزدیک‌ترین اثر به الاختصاص، کتاب الارشاد است که رویکردی کلامی، روایی و تاریخی دارد و در زمینه امام‌شناسی و سیره و نقل فضایل و مناقب آنان نگاشته شده و یکی از کتب معتبر روایی شیعه در زمینه تاریخ زندگانی ائمه است. درصد قابل توجهی از روایات این دو کتاب، درباره کرامات و اعمال خارق‌العاده ائمه است که درباره پیامبر در دسته آثار دلایل‌نگاری مطرح می‌شود و برای اشاره به اعمال خارق‌العاده صادرشده از ائمه در سده چهارم با عنوان معجزات یاد می‌شود (صدوق، [بی‌تا]: ۱۷۱/۲).

در الاختصاص ۵۵ روایت و در الارشاد ۱۱۷ روایت درباره معجزات آمده است. بنابراین مقایسه روایت‌ها برای اعتبارسنجی انتساب الاختصاص به شیخ مفید سودمند است. یکی از روش‌های کارآمد برای بررسی و مقایسه فراوانی و تحلیل محتوای روایات، گونه‌شناسی^۱ همانندی‌ها بر پایه شاخص‌های متمایز است. این شیوه از بهترین روش‌ها برای شناخت یک پدیده و جداسازی پدیده‌ها از یکدیگر و جلوگیری از تعمیم‌های نارواست (الویری، ۱۳۹۱: ۹-۱۰). با کمک رویکرد روشی توصیفی گونه‌شناسی می‌توان گونه‌هایی از حوادث تاریخی به دست آورد که بیشترین امکان قانون‌مندی را داشته باشند (ساروخانی، ۱۳۸۲: ۲۵۱-۲۵۷) و در شناخت روند درونی پدیده‌ها کارآمد است.

پرسش پژوهش این است که فراوانی و میزان همخوانی گونه‌های روایت‌های معجزات در الاختصاص و الارشاد چه اندازه است؟ نخست باید مقدمات و مفاهیم نظری مربوط به درستی کاربرد واژه معجزه برای استفاده درباره خوارق عادات گزارشی از امامان واکاوی شود. در گام

1. Typology

دوم، گونه‌شناسی گزارش‌های معجزات در الارشاد و الاختصاص روشن شود؛ و در گام سوم بر پایه فراوانی گونه‌ها، با مقایسه و تحلیل همخوانی و ناهمخوانی آنها، میزان درستی یا نادرستی انتساب الاختصاص به مفید روشن شود.

پیش از این، در سه پژوهش^۱ به بررسی پدیدآورنده الاختصاص و انتساب آن به شیخ مفید پرداخته شده که در آنها به بررسی دقیق انتساب پرداخته نشده و از شاخص‌های معینی بهره گرفته نشده است. در این نوشته‌ها به بررسی ساختار حاکم بر کتاب الاختصاص و سلسله اسناد روایت‌ها و راویان آنها و مقایسه نسخه‌های خطی موجود از این کتاب در کتابخانه‌ها و مراکز نگهداری اسناد و چاپ‌های عربی آن پرداخته شده است؛ البته مقایسه گزارش‌های الاختصاص با دیدگاه و آثار مفید در آنها چندان بررسی نشده و چنین می‌نماید که روش نوشتار کنونی رویکردی نوآورانه دارد.

۱. مفهوم معجزه

واژه معجزه^۲ اسم فاعل باب افعال، به معنای آفریننده عجز و ناتوان کننده است (رامپوری، ۱۳۷۵: ۸۴۰؛ ابن منظور، ۱۴۰۸: ۵۷/۹؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۴۷). قرآن برای اشاره به کارهای حیرت‌انگیز پیامبران، از واژه‌های «آیه^۳»، «بینه^۴»، «برهان^۵»، «عجب^۶» و «سلطان^۷» بهره برده است. اگرچه مشتقات واژه معجزه در قرآن ۲۶ بار آمده، کاربرست این واژه، در معنای امروزین آن نیست و در همه جا معنی لغوی (ناتوانی و تأخر) مراد بوده است.

«دلائل النبوه»ها به عنوان مهم‌ترین آثار دربردارنده معجزات پیامبر که عمدتاً در سده‌های

۱. سید روح‌الله زمانی موسوی (۱۳۹۱)، «بررسی کتاب اختصاص شیخ مفید»، مطالعات مهدوی، ش ۱۸، صص ۱-۷؛ سید محمدجواد شبیری زنجانی (۱۳۷۰)، «شیخ مفید و کتاب اختصاص»، نشریه نور علم، ش ۴۰، صص ۶۰-۸۱؛ همو (۱۳۷۰)، «شیخ مفید و کتاب الاختصاص»، نشریه نور علم، ش ۴۲، صص ۱۵۰-۱۷۳؛ مجید معارف و محمدعلی حیدری مزرعه آخوند (۱۳۹۷)، «کاوشی در پدید آورنده کتاب الاختصاص»، نشریه حدیث پژوهی، ش ۲۰، صص ۷-۲۸.

2. Miracle

۳. ۳۰/۲۲؛ ۳۳/۳۶؛ ۲۳/۳۰؛ ۳۷/۶؛ ۱۰۹/۶؛ ۵۰/۲۹؛ ۹۶/۱۱.
۴. ۷۳/۷؛ ۹۲/۲؛ ۱۰۵/۷؛ ۷۲/۲۰؛ ۵۷/۶؛ ۸۷/۲.
۵. ۱۷۴/۴؛ ۳۲/۲۸.
۶. ۶۳/۱۸؛ ۹/۱۸؛ ۲/۵۰؛ ۱/۷۲.
۷. ۱۴/۱۰؛ ۱/۱۴؛ ۳۸/۵۱؛ ۱۹/۴۴.

سوم تا پنجم قمری تألیف شده‌اند، از معجزات پیامبران با واژه «دلائل» یاد کرده‌اند. قدیمی‌ترین کاربرد مشتقات واژه معجزه در معنای امروزی آن، در آثار نظام معتزلی است (اشعری، ۱۴۰۰، ۵۱/۱). عالمان اهل سنت و شیعه در سده‌های سوم تا ششم شاخص‌های متعددی برای واژه معجزه تعریف کردند. بر پایه تعریف عالمان اهل سنت و شیعه، چنین برداشت می‌شود که شاخص‌های مشترک و کلیدی معجزه، در آغاز از سوی عالمان اهل سنت تعریف شده و شیعیان پس از یک سده، آن شاخص‌ها را گرفته‌اند. بر پایه آن، معجزه کاری است که نشانه صدق ادعای مدعی آن است (طبری، [بی‌تا]: ۴۷۵/۲؛ خصیبی، ۱۴۱۹: ۱۰/۱) و بشر از آوردن مانند آن ناتوان (ابن‌قتیبه دینوری، ۱۴۲۳: ۱۱؛ مفید، ۱۳۹۳: ۴۸) و با ادعای آورنده آن سازگار است (طبری، همان، ۴۷۵/۲؛ علم‌الهدی، ۱۳۶۲: ۲۱۴). همچنین کاری خارق عادت (اشعری، ۱۴۰۰: ۱۰۲/۱؛ مفید، ۱۳۹۳: ۴۸) و مقارن با تحدی است (اشعری، همان، همان‌جا؛ مفید، همان، همان‌جا) که از سوی خدا انجام می‌شود و کار پروردگار است (جصاص، ۱۹۹۵: ۹۱/۱؛ علم‌الهدی، ۱۳۶۲: ۲۱۴) و به پیامبر اختصاص دارد و غیرقابل مشارکت با دیگران است (جصاص، همان، همان‌جا؛ ابن‌سینا، ۱۴۰۴: ۴۴۲)؛ برای پیامبری و شناخت پیامبر، لازم و واجب است (مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ۹۵۶/۳-۹۶۳؛ طبرسی، ۱۹۸۸: ۶۵۳/۶).

استفاده از واژه معجزه نه تنها برای اشاره به خوارق عادات پیامبران است، بلکه یافته‌های پژوهشی^۱ که درباره سیر تاریخ‌گذاری روایات معجزه و کاربرد واژه معجزه انجام شده و همچنین غور در منابع متقدم نشانگر آن است که تاریخ‌گذاری مبنی بر اسناد روایات، نشان می‌دهد صدوق نخستین کسی است که واژه «معجزه» را برای نوشتن کارهای شگفت‌انگیز امامان دوازده‌گانه شیعه در کتاب‌های حدیثی خود به کار برده است (طیبی و دیگران، ۱۳۹۹: ۶۸؛ صدوق؛ ۱۳۹۸: ۳۶۸؛ همو، [بی‌تا]: ۲۶۷/۱، ۱۷۱/۲). پیش از صدوق، واژه‌های «دلائل»، کرامات، فضائل، خوارق عادات، آیات الباهره، بینات و أعلام» برای اشاره به معجزات امامان کاربرد داشته و سپس کم‌کم این واژه‌ها جای خود را به واژه «معجزه» داده و در نوشته‌های شیعیان نهادینه گردید (مفید، ۱۴۱۳[ث]: ۶۹۱؛ طوسی، ۱۳۸۲: ۱۴۱/۱-۱۴۲؛ علم‌الهدی، [بی‌تا]: ۱۸۴؛ حلبی، ۱۴۰۴: ۲۱۵؛ اربلی، ۱۳۸۱: ۵۲۰/۲؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۲۳۱؛ حلی، ۱۳۶۵: ۱۲). شیخ

۱. علیرضا طیبی، فاطمه دست‌رنج و محمد دهقانی (۱۳۹۹)، «تاریخ گذاری روایات معجزه بر اساس روش تحلیلی متن و اسناد»، نشریه علوم حدیث، س ۲۵، ش ۲، صص ۴۸-۷۲.

مفید پس از صدوق، بهترین تعریف معجزه بین عالمان امامیه را پیش نهاد که معجزه کاری خارق عادت و سازگار با ادعاست که مردم در انجام مانند آن ناتوانند^۱ (مفید، ۱۴۱۳[ت]: ۳۵) و راهی برای شناخت درستی ادعای مدعی و کاری از سوی خداست^۲ (مفید، ۱۴۱۳[ب]: ۴۵-۴۶؛ همو، ۱۴۱۳[ث]: ۶۳؛ همو، ۱۴۱۳[پ]: ۵۲).

با توجه به اینکه امامان ادعای پیامبری نداشتند، ظهور معجزه از سوی آنان همراه با تحدی نیست، اما نشانه‌ای برای تأیید امامتشان است. بنابراین معجزات امامان باید دیگر شاخص‌های معجزه (مگر ادعای پیامبری و تحدی) را دارا باشد. از این رو، در این پژوهش منظور از معجزه کاری است که نشانه امامت است و بشر از آوردن مانند آن ناتوان است و کاریست خارق عادت که از سوی خدا انجام می‌شود و فعل پروردگار است و به امام اختصاص دارد و غیرقابل مشارکت با دیگران است.

۲. گونه‌شناسی روایت‌های معجزات امامان در الاختصاص و الارشاد

گزارش‌های معجزات امامان در این پژوهش بر مبنای محتوای روایت‌ها دسته‌بندی شده‌اند که بر دو گونه اصلی و پنج گونه فرعی می‌باشند. این گونه‌ها عبارت است از: معجزات علم غیب (رازدانی) و معجزات تکوینی (پدیدگانی) که هر یک به چند گونه دیگر تقسیم می‌شود و گزارش‌های هر یک از این گونه‌ها و فراوانی آنها بررسی شده است.

۲-۱. معجزات علم غیب (رازدانی)

دانش غیب و رازدانی برای امامان(ع)، در روایات مختلف آمده است و به باور برخی، بر پایه گزارش‌های متواتر درباره آگاهی غیبی علی(ع)، زمینه برای گفتمان محدث بودن وی فراهم شده

۱. «المعجزة هو الامر الخارق للعادة المطابق للدعوى المقرون بالتحدى المتعذر على الخلق اتیان مثله».

۲. «و اذا ثبتت هذه الاصول وجب إثبات الامام من رعيته بالنص على عينه و العلم المعجز الخارق للعادات إذ طريق إلى المعرفة بمن يجتمع له هذه الصفات إلا بنص الصادق عن الله تعالى أو المعجز على ما ذكرناه»؛ «و أقول إن جهة ذلك هو الصرف من الله تعالى لأهل الفصاحة و اللسان عن المعارضة للنبي ص بمثله في النظام عند تحديه لهم و جعل انصرافهم عن الإتيان بمثله و إن كان في مقدورهم دليلاً على نبوته ص و اللطف من الله تعالى مستمر في الصرف عنه إلى آخر الزمان و هذا من أوضح برهان في الاعتجاز و دعجب بيان و هو مذهب النظام و خالف فيه جمهور اهل الاعتزال»؛ «و ايضا فإن الامام يجب أن يكون معصوما كعصمة النبي ص و لا طريق إلى العلم بالعصمة إلا من جهة النص من صادق عن الله أو علم معجز خارق للعادات».

است (ابطحی، ۱۳۹۳: ۱۷). معجزات در زمینه علم غیب، معجزاتی است که نشانگر علم امامان به امور پنهانی باشد که در سه گونه «دانستن همه زبان‌ها»، «آگاهی از کارهای پنهانی زندگی انسان‌ها» و «آگاهی از آینده» دسته‌بندی می‌شوند. شمار روایت‌های معجزات علم غیب، ۲۹ روایت (۵۲/۷۳ درصد) از ۵۵ روایت معجزات در الاختصاص و ۹۶ روایت (۸۲/۰۶ درصد) از ۱۱۷ روایت معجزات در الارشاد است.

۲-۱-۱. دانستن همه زبان‌ها (زبان‌دانی)

روایات دربردارنده معجزات مربوط به دانستن همه زبان‌ها، علم امام به همه زبان‌ها را گزارش می‌کنند و در این دسته، دانستن زبان اقوام و مردمان دیگر، علم به زبان جانوران و جمادات و علم به زبان کتاب‌های پیامبران دیگر، جای می‌گیرد. این‌گونه معجزه‌ها، ۱۹ روایت (۳۴/۵۵ درصد) از مجموع ۵۵ روایت معجزات در الاختصاص را در برمی‌گیرد؛ مانند آواز خواندن امام باقر به زبان سریانی (مفید، ۱۳۹۲: ۴۹۰)،^۱ سخن گفتن امام صادق با برخی و نیز با عمار ساباطی به زبان نبطی (همو، همان، ۴۸۹)،^۲ دو روایت درباره فهمیدن امام صادق زبان غلام عجمی را (همان، ۴۸۹-۴۹۰)،^۳ فهمیدن امام کاظم زبان غلامان صقلایی و رومی را (همان، ۴۹۰)،^۴ سخن گفتن امام هادی با غلام خود به زبان صقلایی (همان، ۴۸۹)،^۵ فهمیدن آواز پرندگان توسط امام سجاد (همان، ۴۹۳)،^۶ علم به زبان پرندگان و منطق‌الطیر توسط امام سجاد (همان، ۴۹۳)،^۷ فهمیدن زبان گوسفند توسط امام سجاد (همان، ۴۹۶)،^۸ دو روایت درباره فهمیدن زبان آهو توسط امام سجاد (همان، ۵۰۱، ۵۰۴)،^۹ فهمیدن سخن گرگ توسط امام باقر (همان، ۵۰۷)،^{۱۰}

۱. «سمعنا قراءةً سریانیةً بصوت حسن».

۲. «یا عمار ابومسلم فظله و کساه و کسیره بساطور. قال فقلت له ما رأیت نبطیا منك بالنبطیة، فقال یا عمار و بكل لسان».

۳. «فقال تکلم بأی لسان شئت فانی افهم عنک»؛ «فقال درقه فقال له ابوعبدالله ان درقه بالنبطیة خذها اجل فخذها».

۴. «فکان ابوالحسن قریبا منهم فسمعهم باللیل یتراطنون بالسقلبیة و الرومیة».

۵. «قال و کیف لاتعجب مازال یکلمنی بالصقلابیة کانه واحد منا».

۶. «فقال اتدری ما یقلن هولاء؟ فقلت لا ادری، فقال یسبحن ربهن و یطلبن رزقهن».

۷. «یا اباحمره علما منطق الطیر».

۸. «یا عبدالعزیز اتدری ما قالت النعجه؟ قلت لا والله ما ادری. قال فانها قالت الحقی بالغنم، فان اختها عام الاول تخلفت فی هذا الموضع فاکلها الذئب».

۹. «قال علی بن الحسین اتدرون ما قالت الطیبة؟ قالوا لا، قال قالت: رد الله علیکم کل غایب لکم، و غفر لعلی بن

فهمیدن زبان وزغ توسط امام باقر (همان، ۵۰۸)،^۲ فهمیدن سخن کبوتر توسط امام صادق (همان، ۴۹۴)،^۳ فهمیدن آواز کبوتر دم‌سفید و قمری و پرندۀ راعبی توسط امام صادق (همان، ۴۹۵)،^۴ فهمیدن زبان آهو و سخن گفتن با آن توسط امام صادق (همان، ۵۰۳)،^۵ فهمیدن زبان وزغ توسط امام صادق (همان، ۵۰۹)،^۶ علم به زبان حال اسب توسط امام کاظم (همان، ۵۰۳)^۷ و خواندن مناجات ایلیا به زبان عبرانی توسط امام باقر (همان، ۴۹۱).^۸

شمار معجزات درباره دانستن همه زبان‌ها در الارشاد پنج روایت (۴/۲۷ درصد) از مجموع معجزات کتاب است: سخن گفتن امام کاظم به زبان فارسی با مرد خراسانی (مفید، ۱۳۸۸: ۶۲۹/۲-۶۳۱)،^۹ سخن گفتن امام عسکری به زبان رومی و ترکی (همو، همان، ۷۳۳)،^{۱۰} گفتگوی امام علی با ماهی‌های رود فرات (همان، ۳۸۵)،^{۱۱} سخن گفتن امام علی با مار در مسجد کوفه (همان، ۳۸۷)^{۱۲} و سخن گفتن امام کاظم با شیر (همان، ۶۳۲).^{۱۳}

۲-۱-۲. آگاهی از کارهای پنهان زندگی انسان‌ها (نهان‌دانی)

این دسته درباره معجزاتی مانند علم به باطن افراد، آگاهی به نیت‌های قلبی، کردار و گناهان و رویدادها و کارهای پنهانی در زندگی انسان‌ها در زمان حال یا گذشته است. در الاختصاص هفت روایت (۱۲/۷۳٪) از روایات مربوط به معجزات، درباره آگاهی امامان از رویدادهای پنهانی زندگی انسان‌ها است؛ سه روایت درباره خبر دادن امام علی از ویژگی جسمی زنی شبیه

→

الحسین کما ردّ علیّ ولدی؛ «فقالوا یا ابن رسول الله مالذی قالت؟ فقال دعت الله لکم و جزتکم خیرا».

۱. «ادنی ابوجعفر أذنه منه ساعة، ثم قال له امض فقد فعلت».

۲. «قال فأنه يقول والله لئن ذكرت عثمان لأستينّ علیا حتی تقوم من هاهنا».

۳. «يقول یا سکنی و عرسی ما خلق الله خلقا احب الی منک الا ان یکون مولای جعفر بن محمد ع».

۴. «فتقول فقدتکم فقدتکم فافقدوها قبل ان تفقدکم... اما الورشان فیقول: قدستم قدستم».

۵. «اذا هو بطبی ینتحب و یتحرک ذنبه، فقال له ابوعبدالله افعّل ان شاء الله».

۶. «قال فیقول لتکفنّ عن ذکر عثمان او لأستینّ علیاً».

۷. «فقال لم یعط داود و آل داود شیئاً الا و قد أعطی محمد و آل محمد اکثر».

۸. «فسمعنا صوتا یقرء بالعبرانیة».

۹. «ثم قال: یا ابامحمد انّ الامام لا یخفی علیه کلام احدٍ من الناس و لا منطق الطیر و لا کلام شیءٍ فیهِ روح».

۱۰. «سمعت ابامحمد غیر مرة یکلم غلمانہ بلغاتهم و فیهم ترک و روم و صقالبة».

۱۱. «فناطق کثیر منها بالسلام علیه بأمره المومنین و لم ینطق منها اصناف من السموک».

۱۲. «نحنی الی الثعبان و تطاول الثعبان الیه، حتی التقمّ أذنه».

۱۳. «فهمهم الاسد همهمة طویلة و ابوالحسن ع یقول: آمین آمین».

مردان که با او دشمنی می‌کرد (مفید، ۱۳۹۲: ۵۱۳، ۵۱۵، ۵۱۶)؛^۱ خبر دادن امام علی از نیت کسی که خود را دوست او نشان می‌داد (همان، ۵۲۷-۵۲۹)،^۲ آگاهی امام سجاد از نامه عبدالملک بن مروان به حجاج (همان، ۵۳۳)،^۳ آگاهی امام صادق از زمان مرگ هشام بن عبدالملک در سه روز پیش (همان، ۵۳۴)^۴ و خبر امام رضا از انگیزه قلبی عبدالله بن مغیره (همان، ۱۴۹).^۵

شمار این گونه روایات در الارشاد نیز ۳۰ مورد (۲۵/۶۵ درصد) از روایت‌های معجزات است؛ آگاهی امام علی به نیت طلحه و زبیر برای خروج به بصره (مفید، ۱۳۸۸: ۳۵۲/۱)،^۶ آگاهی امام علی به توطئه طلحه و زبیر برای جنگ (همان، ۳۵۲)،^۷ آگاهی امام علی به نیرنگ سپاه معاویه در سر نیزه کردن قرآن‌ها (همان، ۳۵۲)،^۸ آگاهی امام علی به وجود مردی به نام «مخرج» در سپاه خوارج با سینه‌ای شبیه زنان (همان، ۳۵۲)،^۹ آگاهی امام علی به شک جندب بن عبدالله برای جنگ با خوارج (همان، ۳۵۴)،^{۱۰} علم به جُنُب بودن ابابصیر هنگام آمدن به خانه امام صادق (همان، ۵۸۷)،^{۱۱} آگاهی امام کاظم به نگرانی و سرگردانی شیعیان درباره امامت (همان، ۶۲۵-۶۲۷)،^{۱۲} آگاهی امام رضا به میزان بدهکاری یکی از شیعیان (همان، ۶۶۴-۶۶۷)،^{۱۳} آگاهی امام جواد از تشنگی یکی از شیعیان (همان، ۷۰۱)،^{۱۴} آگاهی امام جواد از

۱. «یا سلفع یا جریده یا بذیة یا منکره یا التی لاتحیض کما تحیض النساء»؛ «فقال اسکتی یا جریده یا بذیة یا سلفع یا سلفق یا من لاتحیض کما تحیض النساء»؛ «فقال لها یا سلفع یا مهبع یا قردع».

۲. «أتی أدینهُ بِحُبِّک فی السرِّ کما أدینهُ بِحُبِّک فی العلانیه، و أتولاک فی السرِّ کما أتولاک فی العلانیه فقال له امیرالمومنین صدقت».

۳. «ورد خبر ذلک من ساعته علی بن الحسین و اخبر انّ عبدالملک قد زید فی ملکه برهه من دهره لکفه عن بنی هاشم».

۴. «قال اليوم الثالث فحسبنا موته».

۵. «قلت للغلام: قل لمولاک رجل من اهل العراق بالباب. فسمعت نداءه: ادخل یا عبدالله بن المغیره».

۶. «ما تریدان العمره و ائما تریدان البصره».

۷. «أتی أذنت لهما مع علمی بما قد انطویا علیه من الغدر».

۸. «ویلکم انّ هذه خدیعة».

۹. «إنّ فیهم لرجلاً مودون الید».

۱۰. «یا ایاها الازد اتبین لک الامر؟».

۱۱. «قال: یا ابابصیر أما علمت انّ بیوت الانبیاء و اولاد الانبیاء لا یدخلها الجنب؟».

۱۲. «الیّ لا الی المرجئه و لا الی القدريه و لا الی المعتزله و لا الی الخوارج و لا الی الرّیديه».

۱۳. «حقّ الرجل علیک ثمانیه و عشرون دیناراً و ما بقی فهو لک».

۱۴. «و الله انّی اطنّ انّ اباجعفر یعلم ما فی النفوس کما یقول الرافضة».

میزان بدهی یکی از شیعیان (همان، ۷۰۱)،^۱ آگاهی امام جواد به انگیزه یکی از شیعیان برای دریافت نشانه امامت (همان، ۷۰۱)،^۲ آگاهی امام جواد به صاحبان نامه‌ها (همان، ۷۰۱)،^۳ خبر دادن امام جواد از حضور ساربان (همان، ۷۰۱)،^۴ خبر دادن امام هادی از مرگ واثق در شش روز قبل (همان، ۷۱۰)،^۵ آگاهی امام هادی از نیت متوکل برای فریب برادر امام هادی (همان، ۷۱۴)،^۶ خبر دادن امام هادی از نگرانی یکی از شیعیان برای آگاهی درباره امام پس از وی (همان، ۷۲۵)،^۷ خبر دادن امام عسکری از میزان نیاز مالی یکی از شیعیان (همان، ۷۲۹-۷۳۱)،^۸ خبر دادن امام عسکری از پرسش‌های یکی از شیعیان (همان، ۷۳۳)،^۹ خبر دادن امام عسکری از دروغ مدعی فقر (همان، ۷۳۳-۷۳۵)،^{۱۰} خبر دادن امام زمان از انگیزه دزد اموال امانتی شیعیان (همان، ۷۵۱)،^{۱۱} آگاهی امام زمان از ناخالص بودن دستبند اهدایی (همان، ۷۵۱)،^{۱۲} آگاهی امام زمان از بدهی شخصی به پسرعموهایش (همان، ۷۵۰)،^{۱۳} آگاهی امام زمان از درخواست فردی برای دیدن وی در مسجد (همان، ۷۵۱)،^{۱۴} آگاهی امام زمان از قرمطی بودن نویسنده نامه به او (همان، ۷۵۱)،^{۱۵} آگاهی امام زمان از نیت قلبی یکی از شیعیان (همان، ۷۵۴)،^{۱۶} آگاهی امام زمان از میزان ارث شخص در گذشته (همان، ۷۵۴)،^{۱۷} آگاهی امام زمان از میزان ودیعه شخص

۱. «فرع المصلی الذی کان تحتہ فإذا تحتہ دنائیر فدفعها الی فکان قیمتها فی الوقت اربعة آلاف درهم».

۲. «قال یا علی! ان الله احتج فی الامامة بمثل ما احتج به فی النبوة».

۳. «قال: أما انه سيقول لك دلتی علی حریف یشتری لی متاعاً فقلت نعم».

۴. «یا غلام! انظر الجمال الذی آتانا به ابوهاشم».

۵. «مات الواثق و قد قعد المتوکل جعفر و قد قُتل ابن الرّیات. قلت متی جعلت فداک؟ قال: بعد خروجک بسته ایام».

۶. «قال له: أما إن المجلس الذی ترید الاجتماع معه علیه، لا تجتمع علیه انت و هو أبداً».

۷. «ردت ان تسأل عن الخلف بعد ابی جعفر و قلت لذلك».

۸. «فقال صدقت ولكننا علی امر قد جرینا علیه».

۹. «فجاء الجواب: سألت عن القائم؟».

۱۰. «قال: تحلف بالله کاذباً و قد دفنت مائتی دینار».

۱۱. «حتى قصّ علّ جمیع ما مکعی و ذکذ فی جملته شیئاً لم أخط به علماً».

۱۲. «فقبلت و ردّ علی السّوار».

۱۳. «قيل له: آخر حقّ ولد عمک منه و هو اربعمائه درهم».

۱۴. «جلست عنده ثلاثة ایام فاستأذنته فی الزیارة من داخل الدار فأذن لی فزرت لیلاً».

۱۵. «نظرنا فإذا ذلک الرجل قد تحوّل قرمطياً».

۱۶. «لیس فینا شک و لا فیمن یقوم مقامنا بأمرنا».

۱۷. «فقضانی الناس ألاً رجلاً واحداً و كانت علیه سفتجة باربعمائه دینار».

در گذشته (همان، ۷۵۶)،^۱ آگاهی امام زمان به فراموشی یکی از شیعیان درباره شمشیر اهدایی (همان، ۷۵۶)،^۲ آگاهی امام زمان از میزان هدیه یکی از شیعیان (همان، ۷۵۶)^۳ و آگاهی امام زمان از میزان بدهی یکی از شیعیان (همان، ۷۵۸).^۴

۳-۱-۲. آگاهی از آینده (فرجام‌دانی)

در این بخش، روایت‌های مربوط به آگاهی از فرجام کارها، مانند علم به آجال و پیشگویی رویدادهای آینده (علم منایا و بلایا) بررسی شده است. در الاختصاص سه روایت (۵/۴۵ درصد) از روایات معجزات، درباره آگاهی از آینده آمده است؛ مانند خبر امام علی از کشته شدن خوارج (مفید، ۱۳۹۲: ۲۴۷)،^۵ خبر امام علی از پرچم‌داری حبیب بن جمتاز در جنگ با امام حسین (همان، ۴۷۱)^۶ و آگاهی امام کاظم از زمان مرگ دو برادر که با هم دشمنی داشتند (همان، ۱۵۷).^۷

در کتاب الارشاد ۶۱ روایت (۵۲/۱۴ درصد) از مجموع روایات معجزات، درباره آگاهی از آینده آمده که چنین است؛ سه روایت درباره خبر امام علی از شهادتش به دست ابن ملجم (مفید، ۱۳۸۸: ۲۴/۱، ۲۵، ۲۶)،^۸ ده روایت درباره خبر امام علی از چگونگی شهادتش (همان، ۲۶-۲۸، ۳۵۶، ۳۵۸)،^۹ سه روایت درباره خبر امام علی از زمان شهادتش (همان، ۳۵۶، ۳۵۸)،^{۱۰} خبر امام

۱. «ورد علی من العراق: أن وجه السبع مائة دينار التي لنا قبلك من ثمن الشهري و السيف و المنطقة».

۲. «ما خبر السيف الذي أنسيته؟».

۳. «صلت خمس مائة درهم، لك منها عشرون درهماً».

۴. «قبض الحوانيت من محمد بن هارون بالخمس مائة دينار التي لنا عليه».

۵. «و ما روی الناس من عجائبه فی اخباره عن الخوارج و قتلهم».

۶. «فوالله ما مات خالد بن عرفطه حتى بعث عمر بن سعد الى الحسين بن علي و جعل خالد بن عرفطه علي مقدمته و حبیب بن جمتاز صاحب رايته».

۷. «قال كان اجلك قد حضر حتى وصلت عمتك بما وصلتها به فأنسى الله في اجلك عشرين سنة».

۸. «فرده مرتين او ثلاثاً ثم بايعه، فقال عند بيعته: ما يحبس أشقاها؟» «إمض يا ابن ملجم فوالله ما أرى أن تفي بما قلت» «أنا اعلم أنك قاتلي».

۹. «ما يمنع أشقاها ان يخصبها من فوقها بدم» «أنكم حاج العام صفا واحداً، و آية ذلك: أتى لست فيكم» «يأتيني امرؤ الله و أنا خميص، أما هي ليلة أو ليلتان» «رسول الله يُشير إلي بكفه و يقول: يا علي هلمَّ إلينا فإنَّ ما عندنا هو خير لك» «يقولون: قتل اميرالمؤمنين! قتل اميرالمؤمنين» «أتى مقتول لو قد اصيحت» «أشدد حياز يمك للمموت فان الموت لافيكاً و لا تزعم من الموت اذا حلَّ بواديكاً» «تخصب هذه من هذا» «ليخصبها من فوقها» «ليخصبها من فوقها بدم» «مقتول قتلاً ضرباً على هذا و تخصب هذه».

۱۰. «إنكم حاجوا العام صفاً واحداً و آية ذلك أتى لست فيكم» «يأتى أمر الله و أنا خميص» «لتركوهن فأنهن نوائح».

علی از جنگ با سه گروه ناکثین و قاسطین و مارقین (همان، ۳۵۰)،^۱ خبر امام علی از بیعت و شهادت هزار نفر در رکاب او (همان، ۳۵۲)،^۲ خبر دادن امام علی از مجبور کردن مردم به دشنام دادن به او (همان، ۳۵۹)،^۳ خبر دادن امام علی از به حکومت رسیدن یوسف بن عمر (همان، ۳۵۹)،^۴ خبر امام علی از چگونگی کشته شدن جویریة بن مسهر (همان، ۳۶۰)،^۵ خبر امام علی از چگونگی شهادت میثم تمار (همان، ۳۶۰)،^۶ خبر امام علی از چگونگی شهادت رشید هجری (همان، ۳۶۴)،^۷ خبر امام علی از چگونگی کشته شدن مزروع بن عبدالله (همان، ۳۶۴)،^۸ خبر امام علی از چگونگی کشته شدن کمیل بن زیاد (همان، ۳۶۶)،^۹ خبر امام علی از چگونگی شهادت قنبر (همان، ۳۶۶)،^{۱۰} خبر امام علی از پیشاهنگ شدن حبیب بن جمار در جنگ با امام حسین (همان، ۳۶۶)،^{۱۱} خبر امام علی از شرکت عمر بن سعد در شهادت امام حسین (همان، ۳۶۶)،^{۱۲} خبر امام علی از یاری نکردن براء بن عازب به امام حسین (همان، ۳۶۸)،^{۱۳} خبر امام علی از شهادت امام حسین در کربلا (همان، ۳۶۸)،^{۱۴} خبر امام کاظم از هارون الرشید به علی بن یقطین درباره لباس اهدایی (همان، ۳۶۸)،^{۱۵} خبر امام کاظم به علی بن یقطین درباره شک هارون به دست‌نماز او (همان، ۶۳۰)،^{۱۶} خبر امام رضا از مرگ جعفر بن

۱. «أمرت بقتال النّاکثین و القاسطین و المارقین».

۲. «أتیکم من قبل الکوفه ألف رجل لا یزیدون رجلاً و لا ینقصون رجلاً».

۳. «ستعرضون من بعدی علی سبی».

۴. «فیأخذ العَمّالُ العَمّال، رجل یقال له یوسف بن عمر».

۵. «لتُعْتَلَنَ الی العُتْلُ الرّزیم و لَیَقْطَعَنَّ یدک و رِجْلک، ثمَّ لَیَصْلَبَنَّک تحت جذع کافر».

۶. «إنک تُوْخَذُ بعدی فَتُصَلَّبُ و تُطْعَنُ بحربةٍ فأذا کان الیومُ الثالثُ ابْتَدَرَ مِنْخِرَاکَ و فَمُکَ دماً فِیخْضِبُ لِحیتَکَ، فانتظر ذلک الخضاب و تُصَلَّبُ علی باب دار عمرو بن حریثٍ عاشرٍ عشرةٍ انت أقصرهم خَشْبَةً».

۷. «قال تقطعون یدئ و رِجلی و تصلیوننی».

۸. «لیوْخَذَنَّ رجلٌ فلیُقْتَلَ و لَیَصْلَبَنَّ بَین شَرفَینِ من شَرفِ هذا المسجد».

۹. «لقد خَبَرَنی امیرالمومنین ع أنک قاتلی».

۱۰. «خَبَرَنی امیرالمومنین ع أن مَیِّتَتی تَکُونُ ذُبْحاً ظَلماً بَغیر حق».

۱۱. «یقود جیش ضلالة صاحب لوائه حبیب بن جمار».

۱۲. «ان فی بَیتک لَسَتْخَلًا یقتل ابن رسول الله».

۱۳. «یا براء یقتل ابنی الحسین و انت حی لاتنصره».

۱۴. «هذا کربلاء یقتل فیهِ قوم یدخلون الجنة بَغیر حساب ثم سار».

۱۵. «احتفظ بها و لا تخرجها عن یدک فسیکون لک بها شأنٌ تحتاج الیها معه».

۱۶. «والذی أمرک به فی ذلک أن تَمَضُّضَ ثلاثاً و تستنشق ثلاثاً و تغسل وجهک ثلاثاً و تُخَلِّلَ شعرَ لِحیتَکَ و تغسل یدک الی المرفقین ثلاثاً و تمسح رأسک کلّه و تمسح ظاهرَ أذنیک و باطنهما و تغسل رِجْلَک الی الکعبین ثلاثاً و لا تُخالف ذلک الی غیره».

یحیی برمکی (همان، ۶۶۵)،^۱ خبر امام رضا از کشته شدن یحیی بن خالد و همجواری مرقد او در کنار قبر هارون (همان، ۶۶۷)،^۲ آگاهی امام رضا از دزدیده شدن لباس اهدایی به دعبل خزاعی (همان، ۶۷۳)،^۳ خبر امام رضا از برنامه دیگران برای کشتن مأمون (همان، ۶۷۷)،^۴ خبر امام رضا از شکست سپاه هارون بن مسیب (همان، ۶۷۹)^۵ و نیز دو روایت درباره خبر امام رضا از زاده شدن امام جواد (همان، ۶۸۹)،^۶ خبر امام جواد از زاده شدن امام هادی (همان، ۷۰۶)،^۷ خبر امام جواد از زمان شهادتش (همان، ۷۰۷-۷۰۹)^۸ و همچنین دو روایت با مضمون آگاهی امام هادی از زمان درگذشت محمد بن فرج (همان، ۷۱۲)،^۹ دو روایت با مضمون آگاهی امام هادی از زمان مرگ احمد بن خضیب (همان، ۷۱۲)،^{۱۰} خبر امام عسکری از مرگ ابن معتر (همان، ۷۲۹)،^{۱۱} آگاهی امام عسکری از ازدواج یکی از شیعیان در شهر سورا (همان، ۷۳۰)،^{۱۲} خبر امام عسکری از امنیت جان یکی از شیعیان در سفر حج (همان، ۷۳۰)،^{۱۳} خبر امام عسکری از پیروزی متوکل بر متجاوزان به قصرش (همان، ۷۳۲)،^{۱۴} خبر امام عسکری از آزادی ابوهاشم جعفری از زندان (همان، ۷۳۲)،^{۱۵} آگاهی امام عسکری از مرگ اسب علی بن زید (همان، ۷۳۵)،^{۱۶} خبر دادن امام عسکری از زمان مرگ مهتدی (همان، ۷۳۵)،^{۱۷} آگاهی امام زمان از مرگ فرزند قاسم بن علاء (همان، ۷۵۰)،^{۱۸} آگاهی امام زمان از رسیدن ابوعبدالله صالح

۱. «قال: يا فارغ و هادمه يقطع إرباً إرباً».
۲. «مساكين لا يدرون ما يحل بهم في هذه السنة؟ ثم قال: و أعجب من هذا هارون و انا كهاتين و ضم إصبعيه».
۳. «قال له: خذها و بعث اليه بجثة من ثيابه».
۴. «فلا أرى يا امير المؤمنين و لا للفضل أن تدخل الحمام».
۵. «لا تخرج غداً فانك إن خرجت غداً هزمت و قتل أصحابك».
۶. «يرزقني الله ولداً ذكراً يفرق بين الحق و الباطل» «ثم قال: هل يجترأ أن يقول: ابني و ليس له ولد؟».
۷. «انت خارج فإلى من بعدى إلى ابني عليّ ع».
۸. «يقول لك: أتني ماضٍ و الامر صائر إلى ابني عليّ و له عليكم بعدى ما كان لي عليكم بعد ابني».
۹. «فإن فيه فرجك إن شاء الله فخرج فلم يلبث ألا يسيراً حتى مات» «فحدثني أن أبا الحسن ع قد أنفذ إليه بنوب و أرانيه مُدْرجاً تحت رأسه، قال: فكفّن و الله فيه».
۱۰. «فقال له الحسن ع: انت المقدم» «لأعبدن بك من الله مقعداً لا تبقى لك معه باقية فأخذه الله في تلك الايام».
۱۱. «فكتب اليه: ليس هذا الحادث الحادث الآخر فكان من المعتر ما كان».
۱۲. «لا تخرج إلى الجبل و صبر إلى سورة قال: فصار إلى سؤارة و تزوج بأمرأة منها».
۱۳. «امضوا فلا خوف عليكم إن شاء الله فمضى من بقي سالمين و لم يجدوا عطشاً».
۱۴. «فكتب اليه: تكفونهم إن شاء الله».
۱۵. «فكتب الي: انت تصلي اليوم الظهر في منزلك».
۱۶. «فقال لي: استبدل به قبل المساء إن قدرت على مشتري لا توخر ذلك».
۱۷. «ذلك أقصر لعمره، عد من يومك هذا خمسة ايام».
۱۸. «فلما ولد لي الحسين ابني كتبت أسأل الدعاء فأجبت فيقي».

به قافله مکه (همان، ۷۵۱)،^۱ آگاهی امام زمان از غارت قافله و کشتی عازم یمن (همان، ۷۵۱)،^۲ آگاهی امام زمان از زمان سفر حسین بن فضل به حج (همان، ۷۵۱)،^۳ آگاهی امام زمان از پرداخت سفته‌های غریم (همان، ۷۵۴)،^۴ آگاهی امام زمان به مرگ فرزند یکی از شیعیان (همان، ۷۵۶)،^۵ آگاهی امام زمان از مرگ جنید (همان، ۷۵۶)،^۶ آگاهی امام زمان از زمان مرگ علی بن زیاد (همان، ۷۵۸)^۷ و آگاهی امام زمان از توطئه خلیفه برای دستگیری شیعیانی که به زیارت مقابر قریش می‌رفتند (همان، ۷۵۸).^۸

۲-۲. معجزات تکوینی (پدیدگانی)

معجزات تکوینی (پدیدگانی) دسته‌ای از معجزات‌اند که به کارهای تکوینی امام، مانند دخل و تصرف و تدبیر و تأثیر در هستی و کائنات و بر هم زدن نظم عادی آن می‌پردازند. این دسته از معجزات درباره پدیداری چیزی از غیب، یا تبدیل چیزی به چیزی یا دگرگونی در فرایند طبیعی چیزی است؛ مانند آشکار کردن سرمایه‌های درونی زمین (نظیر چشمه، گنج‌ها، باغ و دریا)، طی الارض (جابه‌جایی مکانی مانند نور)، زنده کردن مردگان، شفای بیماری‌ها، معجزات تنبیهی، استجابت دعا، دیدن جن‌ها و ارتباط با آنان و دیدن مردگان در عالم برزخ. این گونه‌ها در دو زیرشاخه «جانداران» و «بی‌جانان» دسته‌بندی می‌شود. روایت‌های معجزات تکوینی، در الاختصاص ۲۶ روایت (۴۷/۲۷٪) از مجموع روایات معجزات و در الارشاد ۲۱ روایت (۱۷/۹۴٪) از مجموع روایات معجزات است.

۲-۲-۱. جانداران

نخستین گونه از معجزات تکوینی، مربوط به پدیداری از غیب یا دگرگونی در فرایند طبیعی

۱. «أذن لي بالخروج يوم الأربعاء و قيل لي: أخرج فيه».

۲. «فخرج: لا تخرج معهم فليس لك في الخروج معهم خيرة».

۳. «فأما الثوب فخذة لِحْرم فيه».

۴. «فكتب الي: طالبتهم و استقض عليهم».

۵. «وُلِد لي وَلَدٌ فَكُتِبَ أَسْأَدُن في تطهيره يوم السابع فوراً لا تفعل، فمات يوم السابع».

۶. «فلم يرد في امر الجنيد شيء، قال: فاغتممت لذلك فورد نعي الجنيد بعد ذلك».

۷. «أنك تحتاج اليه في سنة ثمانين فمات في سنة ثمانين و بعث اليه بالكفن قبل موته».

۸. «قال: خرج نهي عن زيارة مقابر قریش الحائر علی ساكنيهما السلام».

موجودات جاندار (دارای جان و اراده) مانند «انسان‌ها، حیوانات، مردگان و جن‌ها» است؛ همچون «شفای بیماران، دیدن مردگان و جن‌ها، طی الارض و معجزات تنبیهی». در کتاب الاختصاص ۱۵ مورد (۲۷/۲۷٪) از روایات معجزات تکوینی درباره جانداران است: سه روایت در زمینه نشان دادن امام علی (ع) پیامبر را پس از درگذشت به صورت زنده در مسجد و سخن گفتن با ابوبکر (مفید، ۱۳۹۲: ۴۵۷، ۴۵۹، ۴۶۱)،^۱ دو روایت درباره بیرون آمدن دست پیامبر از خاک برای تأیید درستی سخن امام علی (همان، ۴۶۰، ۴۶۳)،^۲ دو روایت درباره دیدن معاویه پس از مرگ او به صورت زنده توسط امام باقر (همان، ۴۶۳، ۴۶۵)،^۳ دیدن ابوبکر و عمر در رمی جمرات به صورت زنده توسط امام باقر (همان، ۴۶۵-۴۶۶)،^۴ زنده کردن و بیرون آوردن امام صادق شیرهای درون تصویر را (همان، ۴۱۳)،^۵ سه روایت در زمینه دیدن معاویه پس از مرگ او به صورت زنده توسط امام صادق (همان، ۴۶۵-۴۶۶)،^۶ دو روایت درباره طی الارض معلین خنفس توسط امام صادق (همان، ۵۴۵، ۵۴۹)^۷ و طی الارض اسحاق بن جلاب از سوی امام کاظم (همان، ۵۵۱).^۸

در کتاب الارشاد نیز ۱۵ روایت (۱۲/۸۲٪) از گزارش‌های معجزات تکوینی، درباره جانداران است: دیوانه شدن به واسطه نفرین امام علی (ع) (مفید، ۱۳۸۸: ۳۵۹/۱)،^۹ دیدن امام علی جن‌های کافر را و نبرد با آنان (همان، ۳۷۷-۳۷۹)،^{۱۰} کور شدن به واسطه نفرین امام علی

۱. «فإذا رسول الله جالس في القبلة»؛ «فاذا رسول الله انى قلت لابی بكر: اما امرک رسول الله ان تطيعنى؟»؛ «فأدخله مسجد قبا فاذا هو برسول الله في مسجد قبا فقال له: اعتزل عن ظلم اميرالمومنين».
۲. «فانطلق معه حتى اتى القبر اذا كف فيها مکتوب (اکفرت يا عمر بالذى خلقتک من تراب ثم من نطفة ثم سويک رجلا»؛ «فخرجت يد من قبر رسول الله يعرفون انها يده، و صوت يعرفون انه صوته».
۳. «فقال الرجل لاتسقه لاسقاه الله و کان معاويه لعنه الله»؛ «فقال مربي معاويه بن ابي سفيان يجر سلسلته قد دلح لسانه».
۴. «اذا كان کل موسم اخراج الفاسقان غضين طريين فصلباها هنا لایراهنما الا امام عدل».
۵. «ثم نادى يرفع صوته قسوره، فوثب کل واحد منهم علی صاحبه».
۶. «قال له ضجنان اذ جاء رجل فی عنقه سلسله یجرها فاقبل علی فقال اسقني اسقني»؛ «فنفرت بغلته فاذا رجل فی عنقه سلسله و طرفها فی يد آخر یجره»؛ «خرج علينا رجل فی عنقه سلسله یسحبها فقال یا ابن رسول الله اسقني سقاک الله».
۷. «فمَسَحَتْ وَجْهَهُ فَقُلْتُ: این تَرَاک؟ فقال: ارانی فی بیتی»؛ «فاصرف وجهک فصرفت وجهی، ثم قال: اقبل بوجهک فاذا داری».
۸. «فلما کان فی السحر اتانی فقال یا اسحاق قم، قال فقممت و فتحت عینی فاذا انا علی بابی ببغداد».
۹. «فبقی بُسرٌ حتی اختلط».
۱۰. «فظهر للقوم اشخاصٌ علی صوری الرّطّ تخيّل فی ایدهم شعل النار قد اطمانوا یجنبات الوادی فتَوَعَّلَ اميرالمومنین ع

(همان، ۳۸۷)،^۱ پیسی گرفتن به دلیل نفرین امام علی (همان، ۳۸۹)،^۲ کور شدن به دلیل شهادت ندادن به سخن پیامبر درباره امام علی (همان، ۳۸۹)،^۳ دیوانه شدن تمسخرکننده امام علی (همان، ۳۸۹)،^۴ مرگ افترازننده به امام صادق (همان، ۵۸۵-۵۸۷)،^۵ مرگ با نفرین امام صادق (همان، ۵۸۷)،^۶ طی الارض دادن شخص زندانی توسط امام جواد (همان، ۶۹۹)،^۷ از بین رفتن اشتها به سبب خوردن گل با دعای امام جواد (همان، ۷۰۱)،^۸ شفای زیدبن علی بن حسین بن زید از بیماری به خواست امام هادی (همان، ۷۱۵)،^۹ شفای متوکل از بیماری به خواست امام هادی (همان، ۷۱۱-۷۱۳)،^{۱۰} رام شدن قاطر چموش و آسیب نرساندن به امام عسکری (همان، ۷۳۱)،^{۱۱} رام شدن درندگان توسط امام عسکری و آسیب نرساندن به او (همان، ۷۳۵-۷۳۷)^{۱۲} و شفا یافتن محمدبن یوسف به خواست امام زمان (همان، ۷۵۳).^{۱۳}

۲-۲-۲. بی‌جانان

سنخ دیگر معجزات تکوینی، معجزاتی است که درباره پیدایش از غیب یا تغییر در نظام علی و معلولی چیزهای بی‌جان (بی‌اراده) طبیعت، همچون گیاهان و جمادات و دیگر پدیده‌های طبیعی مانند کوه و دریا و غیره است؛ مانند «تبدیل ریگ به جواهر، بیرون آوردن چشمه و طلا و دینار از زیر زمین، حرکت دادن جماد، کوه‌ها و غیره. تعداد این گونه گزارش‌ها در الاختصاص ۱۱ مورد

→

بطن الوادی».

۱. «قال له امیرالمومنین ع: إن كنت كاذباً فاعمى الله بصرک».
۲. «فقال امیرالمومنین ع اللهم إن كاذباً فاضربه ببياضٍ أو بوضحٍ لأتواريه العِمامة».
۳. «كنت أنا فيمن سمع ذلك فكتمته، فذهب الله ببصرى».
۴. «فلم يبرح مكانه حتى تحيطه الشيطان».
۵. «فما برح حتى ضرب برجله».
۶. «أما والله لأدعون الله عليك».
۷. «قُل للذی أخرجک من الشام فی لیلۃ الی الکوفۃ و من الکوفۃ الی المدینۃ و من المدینۃ الی مکة و رکب من مکة الی الشام أن یخرجک من حبس کهدا».
۸. «یا اباهاشم قد أذهب الله عنک أکل الطین».
۹. «خذ هذا الدواء کذا و کذا یوماً فأخذته فشربت فبرأت».
۱۰. «فانفتح و خرج ما کان فیهِ».
۱۱. «حملة علی الهملجة فمشی احسن مشی».
۱۲. «فوجدوه قائماً یصلی و هی حوله فأمر بإخراجه الی داره».
۱۳. «فما أتت علی جمعة حتی عوفیت و صار الموضع مثل راحتی».

(۲۰٪) از مجموع روایت‌های معجزات است: بسته شدن درب به فرمان امام علی (مفید، ۱۳۹۲: ۲۷۴-۲۷۵)،^۱ ظاهر کردن امام علی چشمه را در بیابان کربلا (همان، ۳۷۳)،^۲ تبدیل امام علی ریگ را به جواهر (همان، ۴۵۴)،^۳ بیرون آوردن امام علی سه دینار از زیر زمین با تازیانه (همان، ۴۵۵)،^۴ ظاهر کردن امام باقر طلا را از زیر زمین (همان، ۴۵۶-۴۵۷)،^۵ بیرون آوردن امام صادق گنج را از زیر زمین (همان، ۴۵۲)،^۶ ظاهر کردن امام صادق چشمه بهشتی را در زمین پشت شهر مدینه (همان، ۵۴۵)،^۷ ظاهر کردن امام صادق دریا را از زیر زمین (همان، ۵۵۲)،^۸ حرکت کوه‌ها به خواست امام صادق (همان، ۵۵۳)،^۹ ظاهر کردن امام کاظم باغ و بوستان را در کاروان‌سرا (همان، ۵۵۱)^{۱۰} و بیرون آوردن امام رضا گنج را از زیر زمین (همان، ۴۵۴).^{۱۱}

در الارشاد شش روایت (۵/۱۲) از روایات معجزات تکوینی، مانند ظاهر کردن امام علی چشمه آب را در بیابان کربلا (مفید، ۱۳۸۸: ۳۷۱/۱)،^{۱۲} ردّ الشمس توسط امام علی (همان، ۳۸۳)،^{۱۳} راه رفتن درخت به سوی امام کاظم (همان، ۶۲۷-۶۲۹)،^{۱۴} بیرون آوردن امام رضا طلا را از زیر زمین با تازیانه (همان، ۶۶۷)،^{۱۵} میوه دادن درخت خشک به خواست امام جواد (همان، ۶۹۹)^{۱۶} و بیرون آوردن امام عسکری طلا را از زیر زمین (همان، ۷۳۱)،^{۱۷} درباره بی‌جانان آمده است.

۱. «یا باب استمسک علیهم، فاستمسک علیهم الباب».

۲. «إذا تحته عين من ماء من اعذب ما طعمته».

۳. «ثم قبض قبضة من الحصى فإذا هي جواهر».

۴. «فخط بسوطه خطه فاخرج دینارا، ثم خط خطه أخرى فاخرج دینارا حتی اخرج ثلاثة دنانیر».

۵. «فضرِب برجله فذا شبيه بعنق البعیر قد خرج من ذهب».

۶. «قال باحدى رجليه فخطها فی الارض خطا فانفرجت الارض ثم قال بیده اخرج سبيكة ذهب قدر شبر فتناول».

۷. «ثم ضرب برجله فنظرت الى نهر یجری من جانبه هذا ماء ابيض من الثلج».

۸. «ارکض برجلک الارض فإذا بحر تلک الارض علی حافيتها فرسان».

۹. «فنظرت الى الجبال قد اقبلت فقال لها علی رسلک ائی لم أردک».

۱۰. «ثم اوما بیده و قال اَنْظُرْ فَنَظَرْتُ فَإِذَا أَنَا بِرَوْضَاتٍ أَبْنَاتٍ وَ رَوْضَاتٍ نَاضِرَاتٍ فِیْهِنَّ خَيْرَاتٌ غَطِرَاتٌ وَ وَلَدَانِ کَانَهُنَّ الْوَلَوُ

الْمَکُونُونَ وَ أَطْيَارٌ وَ ظِبَاءٌ وَ أَنَهَارٌ تَقَوَّرُ فَخَارَ بَصَرِی وَ إِلَهَاءٌ وَ حَسِرَتْ عَیْنِی».

۱۱. «فحک بسوطه الارض حکا شديدا ثم ضرب بیده فتناول منها سبيكة ذهب».

۱۲. «فلما زالت عن مکانها ظهر لهم بیاض الماء، فتبادروا الیه فشرَبوا منه».

۱۳. «فسأل امیرالمومنین ع الله عز اسمه فی ردّ الشمس فردّشت علیه حتی صارت فی موضعها من السماء».

۱۴. «قال: فَأَتَيْتُهَا فَأَرَيْتُهَا وَ اللهُ تَخَذَ الارضَ خَدًّا حَتَّى وَقَفَتْ بَيْنَ يَدَيْهِ».

۱۵. «فحک بسوطه الارض حکا شديدا ثم ضرب بیده، فتناول منه سبيكة ذهب».

۱۶. «قد حملت حملاً حسناً فتعجبوا من ذلک و أكلوا منها».

۱۷. «فحک بسوطه الارض فاخرج منها سبيكة فیها نحو خمس مائة دینار».

۲-۳. جدول و نمودار گونه‌های معجزات

برای دستیابی به نتایج گونه‌شناسی باید فراوانی و درصد فراوانی این گونه‌ها با یکدیگر مقایسه شود. فراوانی و درصد فراوانی گزارش‌های هر یک از گونه‌های اصلی و فرعی معجزات امامان در الاختصاص و الارشاد چنین است.

جدول شماره ۱. فراوانی و درصد گونه‌های اصلی معجزات در الاختصاص و الارشاد

گونه اصلی در الاختصاص	فراوانی	درصد	گونه اصلی در الارشاد	فراوانی	درصد
علم غیب	۲۹	۵۲/۷۳	علم غیب	۹۶	۸۲/۰۶
تکوینی	۲۶	۴۷/۳۷	تکوینی	۲۱	۱۷/۹۴
مجموع	۵۵	۱۰۰	مجموع	۱۱۷	۱۰۰

جدول شماره ۲. فراوانی و درصد گونه‌های فرعی معجزات علم غیب در الاختصاص و الارشاد

الاختصاص				الارشاد			
گونه اصلی	گونه فرعی	فراوانی	درصد	گونه اصلی	گونه فرعی	فراوانی	درصد
علم غیب	دانستن همه زبان‌ها	۱۹	۶۵/۵۲	علم غیب	دانستن همه زبان‌ها	۵	۵/۲۰
	آگاهی از کارهای پنهان زندگی انسان‌ها	۷	۲۴/۱۴		آگاهی از کارهای پنهان زندگی انسان‌ها	۳۰	۳۱/۲۵
	آگاهی از آینده	۳	۱۰/۳۴		آگاهی از آینده	۶۱	۶۳/۵۵
مجموع		۲۹	۱۰۰	مجموع		۹۶	۱۰۰

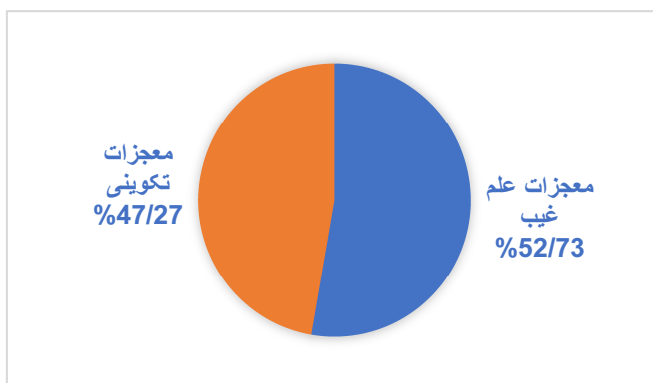
جدول شماره ۳. فراوانی و درصد گونه‌های فرعی معجزات تکوینی در الاختصاص و الارشاد

الاختصاص				الارشاد			
گونه اصلی	گونه فرعی	فراوانی	درصد	گونه اصلی	گونه فرعی	فراوانی	درصد
تکوینی	جانداران	۱۵	۵۷/۷۰	تکوینی	جانداران	۱۵	۷۱/۴۳
	بی جانان	۱۱	۴۲/۳۰		بی جانان	۶	۲۸/۵۷
مجموع		۲۶	۱۰۰	مجموع		۲۱	۱۰۰

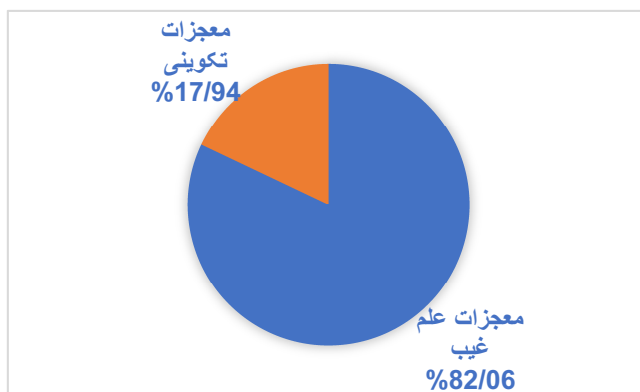
جدول شماره ۴. فراوانی و درصد گونه‌های فرعی معجزات در الاختصاص و الارشاد

الارشاد				الاختصاص			
درصد	فراوانی	گونه فرعی	گونه اصلی	درصد	فراوانی	گونه فرعی	گونه اصلی
۴/۲۷	۵	دانستن همه زبان‌ها	علم غیب	۳۴/۵۵	۱۹	دانستن همه زبان‌ها	علم غیب
۲۵/۶۵	۳۰	آگاهی از کارهای پنهان زندگی انسان‌ها		۱۲/۷۳	۷	آگاهی از کارهای پنهان زندگی انسان‌ها	
۵۲/۱۴	۶۱	آگاهی از آینده		۵/۴۵	۳	آگاهی از آینده	
۱۲/۸۲	۱۵	جانداران	تکوینی	۲۷/۲۷	۱۵	جانداران	تکوینی
۵/۱۲	۶	بی جانان		۲۰	۱۱	بی جانان	
۱۰۰	۱۱۷		مجموع	۱۰۰	۵۵		مجموع

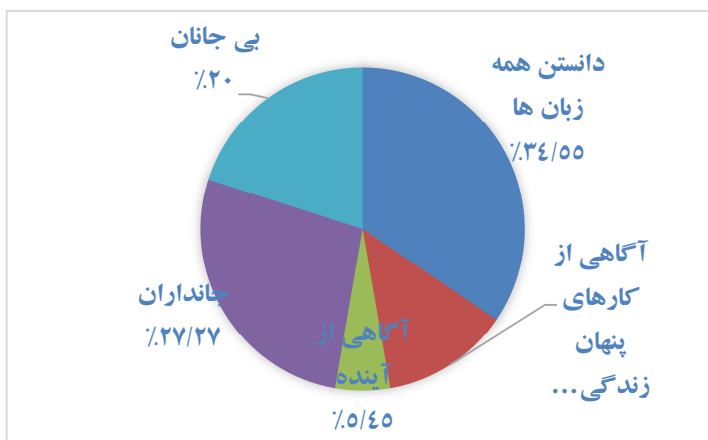
نمودار شماره ۱. درصد فراوانی گونه‌های اصلی معجزات در الاختصاص



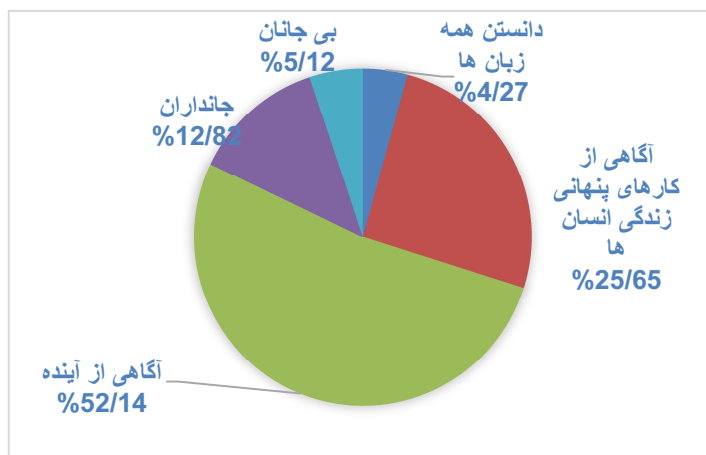
نمودار شماره ۲. درصد فراوانی گونه‌های اصلی معجزات در الارشاد



نمودار شماره ۳. درصد فراوانی گونه‌های فرعی معجزات در الاختصاص



نمودار شماره ۴. درصد فراوانی گونه‌های فرعی معجزات در الارشاد



نتیجه‌گیری

دستیابی به درستی انتساب کتاب الاختصاص به شیخ مفید، از رهگذر مقایسه و فراوانی‌سنجی معجزات منسوب به امامان در دو کتاب الاختصاص و الارشاد، با به کارگیری رویکرد کمی گونه‌شناسی، خواسته این پژوهش بود که با بررسی روایت‌های معجزات دو کتاب و گونه‌شناسی آنها در دو گونه معجزات علم غیب و معجزات تکوینی، کانون‌مندی و پراکندگی معجزات این دو کتاب آشکار شد.

فراوانی‌سنجی گونه‌های معجزات در الاختصاص و الارشاد، حاکی از تفاوت چشمگیر سهم فراوانی و میزان هر گونه در دو کتاب بود؛ چنان‌که براساس جدول شماره ۱، در کتاب الاختصاص از ۵۵ روایت معجزات، ۲۹ روایت (۵۲/۷۳٪) درباره معجزات علم غیب (رازدانی) و در کتاب الارشاد از ۱۱۷ روایت معجزات، ۹۶ روایت (۸۲/۰۶٪) درباره معجزات علم غیب بود و در جدول شماره ۴، در گونه‌های فرعی معجزات علم غیب، بیشینه فراوانی معجزات در الاختصاص ۱۹ روایت (۳۴/۵۵٪) در زمینه دانش همه زبان‌ها و در الارشاد با ۶۱ روایت (۵۲/۱۴٪) درباره آگاهی از آینده بود.

همچنین گزارش‌های معجزات در گونه معجزات تکوینی (پدیدگانی) که به چیزهایی چون

قدرت امامان در دخل و تصرف و تأثیر در طبیعت موجودات و نظم علی و معلولی آنها اختصاص می‌یابد، براساس جدول شماره ۱، در الاختصاص از ۵۵ روایت معجزات، ۲۶ روایت (۴۷/۲۷٪) و در الارشاد از ۱۱۷ روایت معجزات، ۲۱ روایت (۱۷/۹۴٪) را در برمی‌گیرد؛ درحالی‌که روایات معجزات تکوینی در منابعی چون بصائر الدرجات، الهدایة الکبری، دلائل الامامة و نوادر المعجزات، درصد بسیار فراوانی از روایات معجزات را پوشش می‌دهد که نشان می‌دهد گزارش گونه‌ها با نسبت‌سنجی بین اندیشه‌های کلامی شیخ مفید معنی‌دار است.

بر پایه آثار شیخ مفید و رویکرد عقلی او، می‌توان گفت کتاب الارشاد با مبانی علمی مفید سازگار است و نشان‌دهنده تفاوت اندیشه او نسبت به پیشینیان است؛ زیرا مفید برای تقویت عقل‌گرایی و رویارویی با نص‌گرایی، از عقل در نقد حدیث کمک گرفته و نوشته است: «اگر حدیثی با حکم عقل ناسازگار باشد، آن را به حکم عقل به فساد آن، کنار می‌گذاریم» (مفید، ۱۴۱۳ [ج: ۱۴۹])^۱ و بر پایه همین باور، در پی یافتن الگویی برای پالایش منابع روایی شیعه از تحریف، جبر، تشبیه و غلو بود (مصطفوی‌فرد و شه‌گلی: ۱۳۹۹: ۲۹۰). حال آنکه این سنجه، در نقل روایات معجزات تکوینی در کتاب الاختصاص دیده نمی‌شود و فراوانی معجزات تکوینی در این کتاب بسیار زیاد است.

این تفاوت آشکار، در فراوانی گزارش‌های معجزات علم غیب نیز به چشم می‌خورد و رویکرد عقل‌گرایانه مفید در گزینش آنها هویدا است، اما در آثار پیش از مفید، احادیث بسیاری درباره علم امام به همه صنایع و آگاهی امام به همه زبان‌های زنده دنیا هست و در بین امامیه، کمتر مخالف بزرگ شناخته‌شده‌ای بوده است، ولی مفید به صراحت دیدگاه خود را آورده و آن را امری فاسد دانسته است و با این دلیل عقلی-کلامی که «چنین علمی تنها شایسته کسی است که علم ذاتی دارد و آن تنها برای خداوند است» (مفید، ۱۳۷۲: ۶۷؛ صفری فروشانی، ۱۳۸۶: ۲۳)،^۲ تأثیر این نوع نگرش در گزارش معجزه «دانستن همه زبان‌ها» در الارشاد به روشنی دیده می‌شود؛ زیرا تنها ۴/۲۷٪ از معجزات الارشاد و ۳۴/۵۵٪ معجزات الاختصاص را دربرمی‌گیرد.

۱. «و کذلک إن وجدنا حدیثنا یخالف احکام العقول أطرحنه لقضیه العقل بفساده».

۲. «فأما إطلاق القول عليهم بأنهم يعلمون الغیب فهو منکر بین الفساد لأن الوصف بذلک إنما یستحقه من علم الأشياء بنفسه لا یعلم مستفاد و هذا لا یكون إلا الله عز و جل و علی قولی هذا جماعة أهل الإمامة إلا من شذ عنهم من المفوضة و من انتمی إلیهم من الغلاة».

این رهیافت با بررسی آثار مفید درباره معجزات امامان، هماهنگ است. مفید به عدم وجوب ظهور معجزات و اعلام به دست امامان، باور داشته و گفته است ظهور معجزات و اعلام به دست امامان، بر پایه مبانی عقلی او در کلام شیعی ممتنع نیست و از نظر عقلی واجب هم نیست؛ گرچه روایات آن را تأیید می‌کند (مفید، ۱۳۷۲: ۶۸-۶۹؛ انصاری، ۱۳۹۶).^۱ او در گزینش روایات معجزات دقت داشته و از آوردن هر روایتی دوری می‌کرده است و در الارشاد از بین انبوه فراوان معجزات گزارش‌شده منابع شیعی، معجزاتی را آورده است که تا اندازه‌ای معقول و پذیرفتنی باشند.

روایت‌های معجزات در دو کتاب الاختصاص و الارشاد، تفاوت بنیادی و معنی‌داری دارند؛ زیرا گزارش معجزات علم غیب و تکوینی، نشانگر ناسازگاری روایت معجزات الاختصاص با اندیشه‌های کلامی مفید است و همچنین گونه‌های معجزات در الاختصاص و الارشاد، از نظم یکسانی برخوردار نیستند و گونه‌های معجزات در الارشاد با اندیشه‌های مفید همخوانی دارد. بنابراین باید گفت انتساب کتاب الاختصاص به مفید پذیرفتنی نیست.

منابع و مأخذ

- القرآن الكريم
- آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۴۰۳ق)، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۱، بیروت: دار الاضواء.
- آقاگل‌زاده، زینب، سید محمد هادی گرامی و حسن نقی‌زاده (۱۴۰۳)، «سیر تطور انگاره رجعت تا انتهای عصر غیبت صغری با تأکید بر آیات قیامت»، فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام، س ۱۶، ش ۶۱، صص ۷-۳۸.
- ابطحی، سید عبدالحمید (۱۳۹۳)، «تاریخ شکل‌گیری گفتمان تحدیث در شیعیان در نیمه نخست سده دوم قمری»، فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام، س ۶، ش ۲۲، صص ۷-۳۱.
- ابن سینا، حسین (۱۴۰۴)، الشفاء (الالهیات)، تصحیح سعید زاید، قم: مکتبه آیت الله المرعشی.

۱. «القول فی الإیحاء الی الأئمة و ظهور الإعلام علیهم و المعجزات: و أقول: إن العقل لا یمنع من نزول الوحی إلیهم وإن كانوا أئمة غیر أنبیاء... و إنما منعت من نزول الوحی علیهم و الإیحاء بالأشیاء إلیهم لاجتماع علی المنع من ذلك و الاتفاق علی أنه من یزعم أن أحدا بعد نبینا(ص) یوحی إلیه فقد أخطأ و کفر... فأما ظهور المعجزات علیهم و الإعلام فإنه من الممكن الذی لیس بواجب عقلا و لا ممتنع قیاسا و قد جاءت بكونه منهم ع الأخبار علی التظاهر و الانتشار فقطعت علیه من جهة السمع و صحیح الآثار و معی فی هذا الباب جمهور اهل الإمامة و بنو نوبخت تخالف فیهِ و تأباه و کثیر من المنتسبین إلی الإمامیة یوجبونه عقلا کما یوجبونه للأنبیاء. و المعتزله بأسرها علی خلافنا جمیعاً فیهِ سوی ابن الأخشید و من اتبعه یدهبون فیهِ الی الجواز و أصحاب الحدیث كافة تجوزوه لكل صالح من أهل التقی و الإیمان».

- ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۰۸)، لسان العرب، ج ۹، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن قتیبه دینوری، ابی محمد عبدالله بن مسلم (۱۴۲۳)، تأویل مشکل القرآن، تحقیق احمد صقر، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی محدث (۱۳۸۱)، كشف الغمّة فی معرفة الاثمة، ج ۲، تبریز: بنی هاشمی.
- اشعری، ابوالحسن (۱۴۰۰)، المقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین، ج ۱، ویسبادن آلمان: فرانس شتاینر.
- الویری، محسن (۱۳۹۱)، «گونه‌شناسی انتقادی دیدگاه‌ها درباره تاریخ و چگونگی پیدایش تشیع»، فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، س ۳، ش ۸، صص ۷-۵۲.
- امین، سید محسن (۱۴۰۳)، اعیان الشیعه، حقه و اخرجه حسن الامین، ج ۲، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- انصاری، حسن (۱۳۹۶)، «واقعیت معجزات ائمه در گفتار شیخ مفید»، بررسی‌های تاریخی
ansari.kateban.com
- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان (۱۴۱۳)، مدینه معجز الاثمة الاثنی عشر و دلائل الحجج علی البشر، ج ۵، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- ثقة الاسلام تبریزی، میرزا علی (۱۳۶۵)، مرآت الکتب، ج ۲، [بی جا]: عبدالله ثقة الاسلامی.
- جصاص، احمد بن علی رازی (۱۹۹۵)، احکام القرآن، تحقیق عبدالسلام محمدعلی شاهین، ج ۱، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۰۱)، تفصیل وسائل الشیعه و تحصیل مسائل الشریعه، ج ۳۰، تهران: مکتبه الاسلامیه.
- (۱۴۱۸)، الفصول المهمه فی اصول الاثمة، ج ۱، قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا.
- حلبی، ابوصلاح (۱۴۰۴)، تقریب المعارف، قم: الهادی.
- حلّی، حسن بن یوسف بن علی (۱۳۶۵)، الباب الحادی عشر، تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی.
- خصیصی، حسین بن حمدان (۱۴۱۹ق)، الهدایه الکبری، ج ۱، بیروت: البلاغ.
- خوبی، سید ابوالقاسم (۱۳۶۹)، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة، ج ۸، قم: مرکز نشر آثار شیعه.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دار القلم.
- رامپوری، غیاث الدین محمد بن شرف الدین (۱۳۷۵)، غیاث اللغات، به اهتمام منصور ثروت، تهران: امیرکبیر.
- زمانی موسوی، سید روح الله (۱۳۹۱)، «بررسی کتاب اختصاص شیخ مفید»، مطالعات مهدوی، ش ۱۸، صص ۱-۷.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۲)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: پژوهشگاه علوم اجتماعی.
- شبیری زنجانی، سید محمدجواد (۱۳۷۰)، «شیخ مفید و کتاب اختصاص»، نور علم، ش ۴۰، ص ۶۰-۸۱.

- (۱۳۷۰)، «شیخ مفید و کتاب الاختصاص»، نور علم، ش ۴۲، ص ۱۵۰-۱۷۳.
- صدوق، محمدبن علی ابن بابویه (۱۳۹۸)، التوحید، قم: جامعه مدرسین.
- [بی تا]، عیون اخبار الرضا، تصحیح مهدی لاجوردی، ج ۲، تهران: جهان.
- صفری فروشانی، نعمت الله (۱۳۸۶)، «شیخ مفید و تاریخ نگاری او در کتاب الارشاد؛ با توجه به برخی مبانی کلامی و اصولی او»، فصلنامه شیعہ شناسی، س ۵، ش ۱۸، صص ۷-۳۶.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۹۸۸)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، بیروت: دار المعرفة.
- طبری، محمدبن جریر [بی تا]، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، [بی جا]: دار المعرفة.
- طیبی، علیرضا و فاطمه دسترنج و محمد دهقانی (۱۳۹۹)، «تاریخ گذاری روایات معجزه براساس روش تحلیلی متن و اسناد» نشریه علوم حدیث، س ۳۵، ش ۲، صص ۴۸-۷۲.
- طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن (۱۳۸۲)، تلخیص الشافی، به کوشش حسین بحر العلوم، ج ۱، قم: المحبین.
- طوسی، محمدبن حسن بن نصیرالدین (۱۴۰۷)، تجرید الاعتقاد، تهران: دفتر تبلیغات اسلامی.
- علم الهدی، سید مرتضی [بی تا]، تنزیه الانبیاء و الائمة، قم: شریف رضی.
- علم الهدی، علی بن حسین (۱۳۶۲)، جزء العلم، مندرج در تمهید الاصول شیخ طوسی، تهران: انتشارات و چاپ ایران.
- کتوری، اعجاز حسین بن محمدقلی [بی تا]، کشف الحجب و الاستار عن اسماء الكتب و الاسفار، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳)، بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الائمة الطهار، ج ۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مستملی بخاری، اسماعیل (۱۳۶۳)، شرح التعرف، تصحیح محمد روشن، ج ۳، تهران: اساطیر.
- مصطفوی فرد، حامد و احمد شه گلی (۱۳۹۹)، «نقش شیخ مفید و سید مرتضی در تنقیح مبانی فکری تشیع»، دوفصلنامه کتاب قیام، دوره دهم، ش ۲۳، صص ۲۸۱-۲۹۰.
- معارف، مجید و محمدعلی حیدری مزرعه آخوند (۱۳۹۷)، «کاوشی در پدیدآورنده کتاب الاختصاص»، دوفصلنامه حدیث پژوهی، س ۱۰، ش ۲۰، صص ۷-۲۸.
- مفید، محمدبن محمدبن نعمان (۱۳۸۸)، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، شرح امیر خانبلوکی، ج ۱، قم: تهذیب.
- (۱۳۹۲)، الاختصاص، ترجمه سعدالله ناطق الاسلام، قم: نوید اسلام.
- (۱۳۹۳)، النکت الاعتقادیه، تهران: المکتبه المرتضویه.
- [۱۴۱۳] الف]، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
- [۱۴۱۳] ب]، المسائل الجارودیه، قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
- [۱۴۱۳] پ]، المسائل العکبریه، قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
- [۱۴۱۳] ت]، النکت الاعتقادیه، قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید.

- (۱۴۱۳[ث])، اوائل المقالات فی المناهب و المختارات، تحقیق فضل‌الله زنجانی، شیخ ابراهیم انصاری زنجانی و عباسقلی چرندابی، قم: المؤتمر العالمی لأئمة الشیخ المفید.
- (۱۴۱۳[ج])، تصحیح اعتقادات الإمامیة، قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید.

Transliteration

- Quran Karim
- Abtahi, AH. (2014). Historical Review of the development of "Tahdis" among the Shi'is during the first half of the Second century of Hijra. HISTORICAL STUDIES OF ISLAM, 6(22), 7 – 32. [In Persian]
- Aghagolizadeh Z, Gerami S, Naghizadeh H. (2024). The Evolution of the Concept of "Return" (raj'ah) up to the End of the Minor Occultation with Emphasis on the Interpretation of Resurrection Verses HISTORICAL STUDIES OF ISLAM, 16 (61), 7-38. [In Persian]
- Alam Al-hoda, M. (1983). Joz Al-Elm, Included in Tamhid Al- Osul Shikh Tusi, Tehran: Iranian Publications and Printing. [In Arabic]
- Alam Al-hoda, M. (n.d.). Tanziyyah al-Anbiya wa al-A'immah, Qom: Sharif Radhi. [In Arabic]
- al-Irbilī, A, A. (2002). Kašf-ul ġumma ‘fi ma‘rifat-i aḥwāl-il a'imma, Tabriz: Bani Hashemi, V.2. [In Arabic]
- Alviri, M. (2012). Critical Typology of Views on the Appearance and History of Shiism. The History of Islamic Culture and Civilization Quarterly Journal of Research. 3 (8), 7-52. [In Persian]
- Amin, M. (1982). Al-a'yan al-Shi'ah, Beirut: Dār al-Ta'rif Lelmatbuat, V.2. [In Arabic]
- Ansari, H. (2017). "The reality of the miracles of the Imams in the words of Sheikh Mufid", Historical reviews. ansari.kateban.com. ansari.kateban.com. [In Persian]
- Aqa Buzurg Tihrani, M.M. (2024). Al Zaria men al Tassanif al Shia, Beirut: Dar al-Azwa, V.1. [In Arabic]
- Ash'ari, A. (1979). Maqālāt al-Īslāmīn va Īktelāf al-Mošlīn, Wiesbaden, Germany: Franz Steiner. [In Arabic]
- Avicenna, H. (1983). Al-Shafa (Al-Elahiat), edit by Saeed Zayed, Qom: Maktab Ayatollah Marashi Najafi. [In Arabic]
- Bahrani, H.S. (1992). madīnat-u ma'ā'jiz-il a'immat-il itnā 'ašar wa dalā'il-il ḥujaj 'ala-l bašar, Qom: Moassia al- Ma'ārif al-Islameh, V.5. [In Arabic]
- Dastranj, F., Tabibi, A., & Dehqani, M. (2020). Dating miracle narratives based on text and document analysis methods. Ulum-i Hadith, 25(2), 48-72. doi: 10.22034/hs.2020.13060 [In Persian]
- Ibn Qutaybah Dinwari, Abi Muhammad Abdullah ibn Muslim (2002). Taavil Moshkel Al- Quran, Research by Ahmad Sakr, Beirut: Dār al-Kotob Ilmīyyah. [In Arabic]
- Halabi, S. (1983). Taghrib Ma 'ārif, Qom: Al-Hadi. [In Arabic]
- Hilli, H.Y. (1986). Al-Bab Al-Hadi Aashr, Tehran: Musseh Nutaleat Islami. [In Arabic]
- Hurr Amili, M.H (1980). Tafsil wasā'il-uš š'ra Va Tahsil Masael Al-Shareh, Tehran: Maktab Al-Kotob Islmīyyah, V.30. [In Arabic]

- Hurr Amili, M.H. (1997). Al-Fusul Al-Muhemeh fi osul Al- a'imma, Qom: Musseh Ma'arif Islami Imam Reza, V.1. [In Arabic]
- Ibn Manẓūr, M.M. (1987), Lisān al- 'Arab, Beirut: Dār al Īhyā' al-Turāṭ al-Arabi, V.9. [In Arabic]
- Jesas, A.A. (1986). Ahkam Al Quran, Research by Abd Al- Salam Muhammad Ali Shahin, Beirut: Dār al-Kotob Ilmīyyah, V.1. [In Arabic]
- Khasibi, H.H. (1998). Al-hidāya-tul kubrā, Beirut: Al-Balagh, V.1. [In Arabic]
- Khoei, A.G. (1990). M'ujam Rijal al-Hadith va Tafsīl Tabaght Al-Rovat, Qom: Markaz Nashr Asar Sheia, V.8. [In Arabic]
- Kontouri, H. M. (n.d.). Kashf al-Hijb wa al-Astar an Asma al-Kuthub wa al-Asfar, Tehran: Ayatollah Marashi Najafi Library. [In Arabic]
- Maaref, M. and Heydari, M. A. (2019). An Exploration into the Creator of Kitab Al-Ekhtesas, Hadith Research, 10(2), 7-28. doi: 10.22052/0.20.1 [In Persian]
- Majlesi, M.b. (1982). Bihar al-Anwar al-Jamaa Ledorar Akhbar al-Imam al-Athar, Beirut: Dār al Īhyā' al-Turāṭ al-Arabi, V.1. [In Arabic]
- Mofid, M, M. (1992). Al-Masā'il al-Akbariyah(P), Qom: Al-Motmar Al-Alami Sheikh Al-Mofid. [In Arabic]
- Mofid, M, M. (1992). Al-Masal al-Jaroudiyya(B), Qom: Al-Motmar Al-Alami Sheikh Al-Mofid. [In Arabic]
- Mofid, M, M. (1992). Al-nukat al-l tiqadiayah(H), Qom: Al-Motmar Al-Alami Sheikh Al-Mofid. [In Arabic]
- Mofid, M, M. (1992). Awail -al- Maqalat fi Al-Mazaheb va Al-Mokhtarat, Edit by Fazl Allah Zanjani, Ebrahim Ansari Zanjani, and Abbasgholi Cherandabi, research by Sheikh Ibrahim Ansari, Qom: Al-Motmar Al-Alami Lalfieh Sheikh Al-Mofid. [In Arabic]
- Mofid, M, M. (1992). Tashīh al-Itiqād Imameyeh (J), Qom: Al-Motmar Al-Alami Sheikh Al-Mofid. [In Arabic]
- Mofid, M, M. (2009) Al-Irshad fi Ma'rifat Hujjaj Allah Alal Al-Ibad, Description of Amir Khanblouki, Qom: Tahzib. [In Arabic]
- Mofid, M, M. (2013). Al-Ekhtesas, translated by Saadullah Natik al-Islam, Qom: Navia Islam. [In Persian]
- Mofid, M, M. (2014). Al-nukat al-l tiqadiayah(T), Tehran: Maktab Al- Murtazaveh. [In Arabic]
- Mostafavifard, H. and Shahgoli, A. (2020). The roles of Sheikh Mofeed and Sayed Morteza in the refinement of the ideological fundaments of Shi'ism. Ketab-E-Qayyem, 10(23), 281-299. doi: 10.30512/kq.2021.12961.2533 [In Persian]
- Mustamli Bukhari, E. (1984) Sharh al- ta'arruf, Edit by Mohamad Rowshan, Tehran: Asatir, V.3. [In Arabic]
- Raghīb Isfahani, H.M (1991). Mofradat alfaz al-Qoran, Beirut: Dār al-Qalam. [In Arabic]
- Rampuri, G.M. (1996). Qias - al - loqat, By Mansour Servat, Tehran: AmirKabir. [In Persian].
- Saduq, M.A. (2019), Al - tawhid, Qom: Society of teachers. [In Arabic]
- Saduq, M.A. (n.d.), Uyun akh'bar or - reza, Edit by Mahdi Lajevvari, Tehran: Jahan, V.2.

[In Arabic]

- Safari Furushani, N. (2007). Sheikh Mofid and his historiography in the book of al-Irshad with regard to some of his theological and theoretical foundations, Journal of Shiite studies, 5 (18), 7- 36. [In Persian]
- Saroukhan, B. (2003). Methodology of research in social sciences, Tehran: Research Institute of Social Sciences. [In Persian]
- Shabbiri Zanjani, M.J. (1991). "Sheikh Mofid and Book Ekhtesas", Noor Elm, Issue 40, p 60 - 81. [In Persian]
- Shabbiri Zanjani, M.J. (1991). Sheikh Mofid and Book Ekhtesas", Noor Elm, Issue 42, p 150 - 173. [In Persian]
- Tabari, M.j. [n.d.]. Jameh Al-Bayan fi Tafsir Al-Quran, Hejr, No place: Dār Al-Ma‘ārefeh, V.2.[In Arabic]
- Tabarsi, F.H. (1988). Majmaa Al-Bayan fi Tafsir Al-Quran, Beirut: Dār Al- Ma‘ārifeh, V.6. [In Arabic]
- Taibi,A., Dastranj, F., & Dehqani, M. (2020). Dating miracle narratives based on text and document analysis methods. Ulum-i Hadith, 25(2), 48-72. doi: 10.22034/hs.2020.13060
- Thiqa-Al-Islam Tabrizi, M.A. (1982). Merat Al-Kotob, No place: Abdullah Thiqa al-Islami, V.2. [In Arabic]
- Tusi, M.H. (1986). Tajrid al-I'tiqad, Tehran: Office of Islamic Propaganda. [In Arabic]
- Tusi, M.H. (2003). Talkhis Al-Shafi, By Hossein Bahr al-Ulom, Qom: AL-Mohebin. V.1. [In Arabic]
- Zamani Musavi, R. (2012). Review of the book Al-Ekhtesas to Sheikh Mofid, Journal of Mahdism Studies, 18, 1 -7. [In Persian]